

# آزادی بیان و پشت بند آن!

## احمد زیدآبادی

در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، صدا و سیما جمهوری اسلامی دو شبکه رادیویی داشت که از منتقدان و مخالفان سیاست‌های جاری برای حضور در برنامه‌های خود دعوت می‌کرد. این دو شبکه «رادیو گفت‌وگو» و «رادیو صدای آشنا» بودند و اغلب برنامه‌های آنها به صورت زنده و در قالب مناظره تهیه می‌شد. من هم به سهم خود، حضور چشمگیری در برنامه‌های رادیو گفت‌وگو داشتم و در آنجا بدون پرده‌پوشی و رعایت ملاحظات معمول نظراتم را درباره سیاست خارجی کشور، رابطه با آمریکا، نابودی اسرائیل، عواقب برنامه هسته‌ای، نظام انتخاباتی، وضعیت آزادی احزاب، ضرورت‌های دموکراسی، حقوق بشر و ... مطرح می‌کردم. شرح برخی از این مناظرات را در جلد پنجم خاطراتم تحت عنوان «نام و ننگ سال‌های زردفام» آورده‌ام.

واقعیت این است که پس از هر گفت‌وگو، احساس خوبی از بابت امنیت آزادی بیان به آدمی دست می‌داد، به خصوص اینکه نهاد دعوت‌کننده خودش بخشی از نظام سیاسی به حساب می‌آمد و در حقیقت با استفاده از تریبون خود آن، سیاست‌های جاری مملکت به خصوص عملکرد دولت احمدی‌نژاد را بی‌پروا نقد می‌کردیم.

زمان گذشت و انتخابات ریاست‌جمهوری سال 88 فرا رسید و یک روز پس از تاریخ برگزاری انتخابات من در جلوی خانه‌ام بازداشت شدم. «جرم انتخاباتی» من دو چیز بود، یکی معرفی شیخ عبدالله نوری به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری از سوی سازمان ادوار تحکیم و دیگری حمایت از شیخ مهدی کروبی در جریان انتخابات! در حکم صادره از طرف رییس وقت شعبه 26 دادگاه انقلاب به هر دوی این موارد تحت عنوان «اعترافات صریح متهم» اشاره شده است!

هر چند که در آن روزها قمر در عقرب و اوضاع از هر جهت شیر تو شیر بود، اما با این حال، دو اتهام فوق رسواتر از آن بود که بتواند توجیه‌گر شش سال زندان و پنج سال تبعید و محرومیت مادام‌العمر از هر نوع فعالیت سیاسی و مطبوعاتی و نوشتاری از جمله ممنوعیت تحلیل سیاسی چه به صورت کتبی و چه به صورت شفاهی شود. از این رو، اتهامات دیگری هم پیش کشیده شد که تماش مضمین همان صحبت‌هایی

